

## آیه ۲۷۲

### آیه و ترجمه

لیس علیک هدیهم و لکن الله یهدی من یشاء و ما تنفقوا من خیر فلا نفسکم و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله و ما تنفقوا من خیر یوف الیکم و انتم لا تظلمون

ترجمه :

۲۷۲ - هدایت آنها (به طور اجبار)، بر تو نیست، (بنابراین، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست)، ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می کند.

و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می کنید، برای خودتان است، (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبیها انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می شود، و به شما ستم نخواهد شد.

### شان نزول :

در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس نقل شده که: مسلمانان حاضر نبودند به غیر مسلمین انفاق کنند، آیه فوق نازل شد و به آنها اجازه داد که در مواقع لزوم این کار را انجام دهند.

شان نزول دیگری برای آیه فوق نقل شده که بی شباهت به شان نزول اول نیست و آن این که: زن مسلمانی به نام اسماء در سفر عمره القضاء در خدمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، مادر و جده آن زن به سراغ او آمدند و از او کمکی خواستند، و از آنجا که آن دو نفر مشرک و بت پرست بودند اسماء از کمک به آنها امتناع ورزید، گفت: باید از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه بگیرم زیرا شما پیرو آیین من نیستید، سپس نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد اجازه خواست، آیه مورد بحث نازل گردید.

### تفسیر :

### انفاق و کمکهای انسانی به غیر مسلمانان

در آیات قبل مساله انفاق و بخشش در راه خدا به طور کلی مطرح بود، و در

این آیه سخن از جواز انفاق به غیر مسلمانان است، به این معنی که نباید انفاق بر بینوایان غیر مسلمان را ترک کنند به منظور اینکه تحت فشار قرار گیرند و اسلام را اختیار کنند و هدایت شوند.

می‌فرماید: هدایت آنها (به طور اجبار) بر تو نیست (لیس علیک هدیه‌م). بنابراین ترک انفاق بر آنها برای اجبار آنها به اسلام صحیح نمی‌باشد این سخن گرچه خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی در واقع همه مسلمانان را شامل می‌شود.

سپس می‌افزاید: ولی خداوند هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند (و لکن الله یهدی من یشاء).

و بعد از این یادآوری به ادامه بحث فوائد انفاق در راه خدا می‌پردازد و می‌گوید: آنچه را از خوبیها انفاق کنید برای خودتان است (و ما تنفقوا من خیر فلا نفسکم).

ولی جز برای خدا انفاق نکنید (و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله). این در صورتی است که جمله خبریه و ما تنفقون را به معنی نهی بگیریم، یعنی انفاق شما در صورتی سود بخش است که به خاطر خدا انجام گیرد. این احتمال نیز وجود دارد که جمله به همان معنی خبریه باشد، یعنی شما مسلمانان جز برای رضای خدا و جلب خشنودی او انفاق نمی‌کنید. و در آخرین جمله باز به عنوان تاکید بیشتر می‌فرماید: آنچه از خوبیها انفاق می‌کنید به شما تحویل داده می‌شود، و هرگز ستمی بر شما نخواهد شد (و ما تنفقوا من خیر یوف الیکم و انتم لا تظلمون).

یعنی گمان نکنید که از انفاق خود سود مختصری می‌برید، بلکه تمام آنچه را انفاق می‌کنید به طور کامل به شما باز می‌گرداند، آن هم در روزی که شدیداً به آن نیازمندید، بنابراین در انفاقهای خود کاملاً دست و دل باز باشید.

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۰

ضمناً با توجه به اینکه: ظاهر این جمله این است که خود آنچه انفاق شده به انسان باز گردانده می‌شود (نه ثواب آن)، آیه می‌تواند دلیلی بر تجسم اعمال بوده باشد که در جای خود به طور مشروح خواهد آمد.

#### نکته‌ها

۱- آیه فوق می‌گوید: همانطور که بخششهای الهی و نعمتهای او در این جهان شامل حال همه انسانها (صرف نظر از عقیده و آیین آنها) می‌شود مومنان هم

باید به هنگام انفاقهای مستحبی و رفع نیازمندیهای بینوایان در مواقع لزوم، رعایت حال غیر مسلمانان را نیز بکنند. البته این در صورتی است که انفاق بر غیر مسلمانان به خاطر یک کمک انسانی باشد و موجب تقویت کفر و پیشبرد نقشه‌های شوم دشمنان نگردد بلکه آنها را به روح انساندوستی اسلام آگاه سازد.

## ۲- هدایت اقسام گوناگونی دارد:

روشن است که منظور از عدم وجوب هدایت مردم بر پیامبر این نیست که او موظف به ارشاد و تبلیغ آنها نباشد زیرا ارشاد و تبلیغ روشن‌ترین و اساسی‌ترین برنامه پیامبر است، بلکه منظور این است که او موظف نیست که آنها را تحت فشار قرار دهد و اجبار بر هدایت نماید. آیا منظور از این هدایت، هدایت تکوینی است یا تشریعی؟ زیرا هدایت‌انواعی دارد.

الف) هدایت تکوینی - منظور از هدایت تکوینی این است که خداوند یک سلسله عوامل پیشرفت و تکامل در موجودات مختلف جهان، اعم از انسان و سایر جانداران، حتی موجودات بیجان آفریده، که آنها را به سوی تکامل می‌برد.

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۱

رشد و تکامل جنین در شکم مادر، و نمو پیشرفت دانه‌های گیاهان در دل زمین، و حرکت کرات مختلف منظومه شمسی در مدار خود، و مانند آن، نمونه‌های مختلفی از هدایت تکوینی هستند، این نوع هدایت مخصوص خدا است و وسیله آن عوامل و اسباب طبیعی و ماوراءطبیعی است. قرآن مجید می‌گوید:

ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی (خدائی که آفرینش ویژه هر موجودی را به او بخشید، و سپس او را هدایت و رهبری کرد).

ب) هدایت تشریعی - منظور از این هدایت راهنمایی افراد از طریق تعلیم و تربیت، و قوانین مفید و حکومت عادلانه و پند و اندرز و موعظه است. این نوع هدایت بوسیله پیامبران و امامان و افراد صالح و مریبان دلسوز انجام می‌شود و در قرآن به آن کرارا اشاره شده است. قرآن مجید می‌گوید:

ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (این کتاب بزرگ تردیدی در آن نیست و وسیله هدایت پرهیزکاران است).

ج - هدایت به معنی فراهم ساختن وسیله

این نوع هدایت که گاهی از آن به عنوان توفیق یاد می‌شود عبارت از این است که وسائل لازم را در اختیار افراد بگذارند تا با میل و اراده خود از آن برای پیشرفت استفاده کنند، مثلاً ساختن مدرسه، مسجد، کانونهای تربیتی، تهیه برنامه‌ها و کتابهای لازم و تربیت مبلغان و معلمان شایسته، همه داخل در این قسم از هدایت هستند و در حقیقت این قسم از هدایت برزخی است بین هدایت تکوینی و تشریعی. قرآن می‌گوید:

و الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا (و کسانی که در راه ما مجاهده کنند آنها را به راههای خود هدایت می‌کنیم).

د) هدایت به سوی نعمتها و پاداشها - منظور از این هدایت بهره‌مند

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۲

ساختن افراد شایسته از نتیجه اعمال نیکشان در سرای دیگر است، این نوع هدایت مخصوص افراد با ایمان و درستکار است، قرآن مجید می‌گوید:

#### سیهیدیههم و یصلح بالهم

این جمله که بعد از ذکر فداکاری شهیدان راه خدا آمده است می‌گوید: خداوند آنها را هدایت می‌کند و حال آنها را بهبودی می‌بخشد. بدیهی است این نوع هدایت تنها مربوط به برخورداری آنان از نتایج سودمند عملشان در جهان دیگر است.

اما در واقع این چهار نوع هدایت مراحل مختلفی از یک حقیقت هستند که هر کدام بعد از دیگری قرار گرفته است. زیرا نخست هدایت تکوینی خداوند به سراغ انسان می‌آید و عقل و فکر و قوای دیگر را در اختیار او می‌گذارد (هدایت تکوینی).

و سپس هدایت و راهنمایی انبیاء شروع می‌شود و آنها مردم را به راه حق دعوت می‌کنند (هدایت به معنی ارشاد و تبلیغ).

و بعد از آن با ورود در مرحله عمل، توفیق پروردگار شامل حال آنها می‌شود و راهها برای آنها هموار می‌گردد و مرحله سوم هدایت را به این طریق می‌پیمایند (هدایت به معنی توفیق).

و در پایان در جهان دیگر از نتایج اعمال خود بهره‌مند می‌گردند (هدایت به سوی پاداشها).

از این چهار نوع هدایت یک قسم آن (ارشاد و تبلیغ) از وظائف حتمی پیامبران و امامان است و قسم دیگری از آن که هموار ساختن راه باشد به مقدار وسیعی

جزء برنامه‌های حکومت الهی پیامبران و امامان است ولی بقیه مخصوص ذات خدا است.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۳

بنابراین هر جا در قرآن نفی هدایت از پیغمبر شده همانند آیه فوق منظور دو قسم اول نیست.

گرچه در جمله ولکن الله یهدی من یشاء (خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند) این امر منوط به اراده خداوند شده اما این هدایت‌های پروردگار مسلماً بدون حساب و حکمت نمی‌باشد، یعنی بی جهت یکی را هدایت و دیگری را محروم نمی‌کند، بلکه افراد باید قبل‌اشایستگی خود را برای هدایت احراز کنند تا از آن بهره‌مند گردند.

به هر حال از آیه فوق حقیقت دیگری را نیز می‌توان استفاده کرد و آن این که اگر در میان مسلمانان افرادی بعد از این همه تأکید درباره دوری از ریا و منت و آزار باز انفاق‌های خود را آلوده به این امور سازند، ناراحت نباش وظیفه تو تنها بیان احکام و فراهم ساختن یک محیط اجتماعی سالم است و هرگز موظف نیستی که آنها را مجبور به این امور سازی - روشن است که این تفسیر منافاتی با تفسیر سابق ندارد و ممکن است هر دو را از آیه استفاده کرد.

### ۳- اثر انفاق در زندگی انفاق‌کنندگان

جمله و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم می‌گوید منافع انفاق به خود شما بازگشت می‌کند و به این وسیله انفاق‌کنندگان را تشویق به این عمل انسانی می‌نماید، مسلماً انسان هنگامی که بداند نتیجه کار او به خود او باز می‌گردد بیشتر به آن کار علاقه‌مند خواهد شد.

ممکن است در ابتدا چنین به نظر برسد که منظور از بازگشت منافع انفاق به انفاق‌کننده، همان پاداش و نتایج اخروی آن باشد.

البته این معنی صحیح است ولی نباید تصور کرد که سود انفاق تنها جنبه اخروی دارد، بلکه از نظر این دنیا نیز به سود آنها است هم از جنبه معنوی و هم از

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۴

جنبه مادی: از نظر معنوی، روح گذشت و بخشش و فداکاری و نوع دوستی و برادری را در انفاق‌کننده پرورش می‌دهد و در حقیقت وسیله موثری برای

تکامل روحی و پرورش شخصیت اوست. و اما از نظر مادی افراد محروم و بینوا در یک اجتماع، موجب انفجارهای خطرناک می‌گردد، همان انفجارهایی که گاهی تمام اصل مالکیت را در خود فرو می‌برد و تمام ثروتها را می‌بلعد و نابود می‌سازد. انفاق فاصله طبقاتی را کم می‌کند و خطرانی را که از این رهگذر متوجه افراد اجتماع می‌شود از میان می‌برد، انفاق آتش خشم و شعله‌های سوزان طبقات محروم را فرو می‌نشانند و روح انتقام و کینه‌توزی را از آنها می‌گیرد. بنابراین انفاق از نظر امنیت اجتماعی و سلامت اقتصادی و جهات مختلف مادی و معنوی به سود انفاق کنندگان نیز هست.

#### ۴ - وجه الله چه معنی دارد؟

وجه در لغت به معنی صورت است و گاهی به معنی ذات به کار برده می‌شود. بنابراین وجه الله یعنی ذات خدا. انفاق کنندگان نظرشان باید ذات پاک پروردگار باشد، پس ذکر کلمه وجه در این آیه و مانند آن متضمن یک نوع تاکید است زیرا هنگامی که گفته شود برای ذات خدا تاکید آن از برای خدا بیشتر است، یعنی حتما برای خدا باشد و نه دیگری. به علاوه معمولا صورت انسان شریف‌ترین قسمت ظاهری بدن اوست، زیرا اعضای مهم بینائی و گویشی در آن قرار گرفته است به همین دلیل هنگامی که کلمه وجه به کار برده شود شرافت و اهمیت را می‌رساند، در اینجا هم بطور کنایه در مورد خداوند به کار برده شده است و در واقع یک نوع احترام و اهمیت از آن فهمیده می‌شود، بدیهی است که خدا نه جسم است و نه صورت دارد.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۵

آیه ۲۷۳

آیه و ترجمه

للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس الحافا و ما تنفقوا من خير فان الله به عليم

ترجمه :

۲۷۳ - (انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند، (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تامین هزینه

زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند، نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند،) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.

### شان نزول :

از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است که: این آیه درباره‌ی اصحاب صفه نازل شده است (اصحاب صفه در حدود چهارصد نفر از مسلمانان مکه و اطراف مدینه بودند که نه خانه‌ای در مدینه داشتند و نه خویشاوندانی که به منزل آنها بروند از این جهت در مسجد پیامبر مسکن گزیده بودند و آمادگی خود را برای شرکت در میدانهای جهاد اعلام داشته بودند). ولی چون اقامت آنها در مسجد با شئون مسجد سازگار نبود دستور داده شد به صفه (سکوی بزرگ و وسیع) که در بیرون مسجد قرار داشت منتقل شوند، آیه فوق نازل شد و به مردم دستور داد که به این دسته از برادران خود از کمکهای ممکن

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۶

مضایقه نکنند آنها هم چنین کردند. بعضی از مفسران تصریح کرده‌اند که آنها پاسداران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و محافظان او بوده‌اند.

### تفسیر :

### بهترین مورد انفاق

باز در ادامه آداب و احکام انفاق، در این آیه بهترین مواردی که انفاق در آنجا باید صورت گیرد، بیان شده است، و آن کسانی هستند که دارای صفات سه‌گانه‌ای که در این آیه آمده است باشند در بیان اولین وصف آنان می‌فرماید: انفاق شما به خصوص باید برای کسانی باشد که در راه خدا، محصور شده‌اند (للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله).

یعنی کسانی که به خاطر اشتغال به جهاد در راه خدا و نبرد با دشمن و یادگیری فنون جنگی یا تحصیل علوم لازم دیگر از تلاش برای معاش و تامین هزینه زندگی باز مانده‌اند، که یک نمونه روشن آن، اصحاب صفه در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند.



سپس برای تاکید می‌افزاید: همانها که نمی‌توانند سفری کنند و سرمایه‌ای به دست آورند (لا یستطیعون ضربا فی الارض).  
تعبیر به ضرب فی الارض به جای سفر، به خاطر آن است که مسافران مخصوصا آنها که برای هدفهای مهمی پیاده به سفر می‌روند، پیوسته پای بر زمین

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۷

می‌کوبند و پیش می‌روند.  
بنابراین کسانی که می‌توانند تامین زندگی کنند، باید مشقت و رنج سفر را تحمل کرده، از دسترنج دیگران استفاده نکنند مگر اینکه کار مهمتری همچون جهاد در راه خدا یا فرا گرفتن علوم واجب، مانع از سفر گردد.  
و در دومین توصیف از آنان، می‌فرماید: کسانی که افراد نادان و بی‌اطلاع، آنها را از شدت عفاف غنی می‌پندارند (یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف).  
ولی این سخن به آن مفهوم نیست که این نیازمندان با شخصیت قابل شناخت نیستند لذا می‌افزاید: آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی (تعرفهم بسیماهم).  
سیمما در لغت به معنی علامت و نشانه است و این که در فارسی امروز آن را به معنی چهره و صورت به کار می‌برند، معنی تازه‌ای است و گر نه در مفهوم عربی آن، چنین معنایی ذکر نشده است، به هر حال منظور این است که آنها گرچه سخنی از حال خود نمی‌گویند ولی در چهره‌هایشان نشانه‌هایی از رنجهای درونی وجود دارد که برای افراد فهمیده آشکار است، آری رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون.  
و در سومین توصیف از آنان می‌فرماید: آنها چنان بزرگوارند که: هرگز چیزی با اصرار از مردم نمی‌خواند (لا یسئلون الناس الحافا).  
اصولا آنها از مردم چیزی نمی‌خواهند تا چه رسد به اینکه اصرار در سوال داشته باشند، و به تعبیر دیگر معمول نیازمندان عادی اصرار در سوال است اما آنها یک نیازمند عادی نیستند.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۸

بنابراین اگر قرآن می‌گوید: آنها با اصرار سوال نمی‌کنند مفهومی این نیست که بدون اصرار سوال می‌کنند، بلکه مفهومی این است آنها فقیر عادی نیستند تا سوال کنند زیرا سوال آنها معمولا توأم با اصرار و الحاف است، به قرینه اینکه می‌گوید: آنها را از سیمایشان باید شناخت نه از سوالشان و الا جمله یحسبهم



الجاهل اغنياً من التعفف مفهومی نداشت.

احتمال دیگری در تفسیر این آیه نیز هست و آن اینکه آنها در حال عادی هرگز سوال نمی کنند، (و هر گاه اضطرار شدید آنها را، مجبور به اظهار حال خود کند،) هرگز اصرار نمی ورزند.

بعضی نیز گفته اند منظور این است که آنها در ترک سوال کردن اصرار دارند. (ولی این احتمال خلاف ظاهر آیه است).

و در پایان آیه، باز همگان را به انفاق از هر گونه خیرات تشویق کرده، می فرماید: و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید خداوند از آن آگاه است (و ما تنفقوا من خیر فان الله به علیم).

این جمله برای تشویق انفاق کنندگان است خصوصاً انفاق به افرادی که دارای عزت نفس و طبع بلندند و چه بسا در این موارد بخششهایی درپوشش غیر انفاق، ولی در واقع به قصد انفاق، صورت می گیرد تا طرف مقابل ناراحت نشود، مسلماً خداوند از این نیت پنهانی آگاه است و آنها را به تناسب نیت و زحماتشان بهره مند می سازد.

نکته :

### سؤال کردن بدون حاجت حرام است!

یکی از گناهان بزرگ تکدی و سوال و تقاضای از مردم بدون نیاز است، و در روایات متعددی از این کار، نکوهش شده، در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۵۹

می خوانیم: لا تحل الصدقة لغنی: صدقات برای افراد بی نیاز حرام است. و در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: من سئل و عنده مایغنیه فانما يستکثر من جمر جهنم: کسی که از مردم درخواست کند در حالی که به مقدار کفایت دارد، آتش دوزخ را برای خود افزون می سازد.

همچنین در روایات وارد شده که: شهادت سائل به کف پذیرفته نیست.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۰

آیه ۲۷۴

آیه و ترجمه

الذین ینفقون اموالهم بالیل و النهار سرا و علانية فلهم اجرهم عند ربهم و لا

## خوف علیهم و لا هم یحزنون

ترجمه :

۲۷۴ - آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند.

### شان نزول :

در احادیث بسیاری آمده است که این آیه درباره علی (علیه السلام) نازل شده است زیرا آن حضرت چهار درهم داشت، درهمی را در شب و درهمی را در روز و درهمی را آشکارا و درهمی را در پنهان انفاق کرد و این آیه نازل شد. ولی می دانیم نزول آیه در یک مورد خاص، مفهوم آن را محدود نمی کند، و شمول حکم را نسبت به دیگران، نفی نمی نماید.

### تفسیر :

### انفاق به هر شکل و صورت مطلوب است

باز در این آیه سخن از مساله دیگری در ارتباط با انفاق در راه خدا است و آن کیفیات مختلف و متنوع انفاق است، می فرماید: آنها که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند پاداششان نزد پروردگارشان است (الذین

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۱

ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم). ناگفته پیداست که انتخاب این روشهای مختلف رعایت شرائط بهتر برای انفاق است، یعنی انفاق کنندگان باید در انفاق خود به هنگام شب یا روز، پنهان یا آشکار، جهات اخلاقی و اجتماعی را در نظر بگیرند، آنجا که انفاق به نیازمندان موجبی برای اظهار ندارد، آن را مخفی سازند تا هم آبروی آنان حفظ شود، و هم خلوص بیشتری در آن باشد، و آنجا که مصالح دیگری مانند تعظیم شعائر و تشویق و ترغیب دیگران در کار است، و انفاق جنبه شخصی ندارد، تا هتک احترام کسی شود (مانند انفاق برای جهاد و بناهای خیر و امثال آن) و با اخلاص نیز منافات ندارد آشکارا انفاق نمایند.

بعید نیست که مقدم داشتن شب بر روز، و پنهان بر آشکار (در آیه مورد بحث) اشاره به این باشد که مخفی بودن انفاق بهتر است مگر موجبی برای اظهار باشد، هر چند باید در همه حال و به هر شکل، انفاق فراموش نشود.

مسئله دیگری که نزد پروردگار است (مخصوصا با تکیه بر صفت ربوبیت که ناظر به پرورش و تکامل است) چیز کم، یا کم ارزشی نخواهد بود، و تناسب با

الطاف و عنایات پروردگار خواهد داشت که هم برکات دنیا، و هم حسنات آخرت و قرب الی الله را شامل می شود.  
سپس می افزاید: نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می شوند (و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون).

می دانیم انسان چون برای ادامه و اداره زندگی خویش خود را بی نیاز از مال و ثروت نمی داند معمولاً هنگامی که آن را از دست می دهد اندوهناک می گردد و برای آینده خود نگران می شود، زیرا نمی داند در آینده وضع او چگونه خواهد بود، و همین امر در بسیاری از مواقع مانع انفاق می گردد، مگر آنها که از یک سو به وعده های الهی ایمان داشته باشند و از سوی دیگر آثار اجتماعی انفاق را بدانند،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۳۶۲

چنین افرادی از انفاق در راه خدا خوف و وحشتی از آینده ندارند و به خاطر از دست دادن قسمتی از ثروت خود اندوهگین نمی شوند، زیرا می دانند در مقابل چیزی که از دست داده اند به مراتب بیشتر، از فضل پروردگار و از برکات فردی و اجتماعی و اخلاقی آن در این جهان و آن جهان بهره مند خواهند شد.

بعد ←

↑ فرست

→ قبل